

تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار در معاصر سازی بافت تاریخی_ فرهنگی کلانشهر تبریز با تأکید بر حفظ هویت

کریم باقری

دانشجوی دکتری تخصصی شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

رسول درسخوان^۱

گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

چکیده

بافت تاریخی شهر تبریز که نماد هویت و میراث چند هزارساله آن است، در دوران معاصر از یک سو با پیدایش نیازها و عملکردهای جدید و از سوی دیگر با پیدایش تمنایی برای دگرگونی‌ها، هویت و کارکرد فضاهای تاریخی آن دچار دگرگونی اساسی شده است، این پژوهش، نقش عوامل و مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی معاصر سازی را در عرصه بافت تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز، با تأکید بر حفظ هویت مورد تحلیل قرار می‌دهد، روش تحقیق پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی است. شاخص‌هایی برای هر کدام از مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی معاصر سازی بر پایه‌ی پاسخ‌های خبرگان، بر اساس تکنیک دلفی در نظر گرفته شد. عمل پردازش داده‌های حاصل از پرسشنامه، با استفاده از نرم افزارهای آماری انجام گرفت. مؤلفه کالبدی بیشترین و مؤلفه اجتماعی- فرهنگی کمترین امتیاز را در معاصر سازی بافت تاریخی کلانشهر تبریز دارند. در مرحله بعدی شاخص‌های هر کدام از مؤلفه‌ها به روش AHP فازی رتبه بندی گردید و این عوامل توسط تکنیک SWOT دسته بندی شد. نتایج نشان می‌دهد بهبود وضعیت دسترسی در بافت، مهمترین نقطه قوت معاصر سازی بافت تاریخی، از بین رفتن بافت‌های تاریخی مهمترین ضعف، تامین زیرساخت‌های خدماتی جهت زیست پذیری بافت مهمترین فرصت و نهایتاً تأثیرات ناشی از طولانی شدن پروسه ساخت مهمترین تهدید به شمار می‌آید.

کلمات کلیدی: معاصر سازی، بافت تاریخی - فرهنگی، هویت، کلانشهر تبریز.

امروزه با رشد روزافزون شهرنشینی، مشکلات گوناگون بیش از هر زمان دیگری دامن گیر شهرها شده است. یکی از این موارد که هم علت و هم معلول بسیاری از معضلات شهری است، وجود بافت کهن و تاریخی در دل شهرهای امروزی است. ماهیت ویژه این بافت‌ها، هر گونه بی توجهی به آنها را از جهات مختلف مردود می‌سازد. از جهت اقتصادی، دارای امکانات بالقوه ای اعم از زیرساختی و روساختی، از جهت فرهنگی، یادگاری از تاریخ پیشین، از جهت اجتماعی، بخشی از جامعه و ضامن تداوم زندگی انسان‌ها و از جهت کالبدی، دارای ارزش‌های معماری و شهرسازی یکتایی است (وزارت مسکن و شهرسازی و شرکت عمران و بهسازی، ۱۳۸۲: ۱۲). از اینرو مداخله در بافت تاریخی - فرهنگی شهری به یکی از مسائل اساسی نظام برنامه‌ریزی کشورهای که دارای پیشینه‌ای غنی از شهرنشینی بوده‌اند، تبدیل گشته است. در راستای این مداخله، معاصرسازی، بینش و عملی جامع و یکپارچه است که تمایل به بهبود مداوم در شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی ناحیه‌ای را دارد که در معرض تغییر قرار گرفته است (پوراحمد، ۱۳۹۰: ۸۳). معاصرسازی بافت‌های تاریخی در واقع تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی‌های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری بافت تاریخی مؤثر می‌افتد که می‌تواند شامل شباهت‌های ظاهری سازمان فضایی معاصر با سازمان فضایی کهن باشد ولی رفتارهای سازمانی فضای معاصر و هنجارهای حادث شده از آنها هیچ شباهتی به آنچه از قبل بوده نخواهد داشت و خود دارای شخصیت و هویتی مستقل می‌باشند.

در شهرهای کنونی عدم شناسایی و بکارگیری شیوه‌های متنوع معاصرسازی در زمینه‌های خاص منجر به بروز مشکلات و نزول کیفیت این بافت‌ها در دهه‌های اخیر گردیده است. از جمله مسائل و مشکلات بافت‌های تاریخی می‌توان به خروج ساکنان اصیل از بافت، حضور مهاجران، کیفیت محیطی پایین فضاهای شهری، عدم تامین نیازهای زندگی معاصر، رواج کاربری‌های پشتیبان از قبیل انبارها و کاربری‌های ناسازگار با ارزشهای فرهنگی، مشکلات ترافیکی، تخریب و بازسازی بناهای واجد ارزش معماری و... اشاره کرد. بنابراین، مقیاس و آهنگ مداخله در بافت‌های ارزشمند قدیمی و تاریخی باید به گونه‌ای انتخاب شود که هم جریان زندگی در آن‌ها را خدشه دار نسازد و هم با تداوم خود، امید و حس مشارکت را در فرآیند تجدید حیات در میان ساکنان با در نظر گرفتن حداکثر رضایت مردم و حفظ منافع آنان افزایش دهد (فرخ زنوزی، ۱۳۸۰: ۱۱). بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز هم که نماد و بازگو کننده هویت و میراث چند هزارساله آن است، لیکن آسیب شناسی آن در شهر تبریز نشان می‌دهد، در دوران معاصر از یک سو با پیدایش نیازها و عملکردهای جدید و از سوی دیگر با پیدایش تمناهایی برای دگرگونی‌ها، منزلت و کارکرد فضاهای تاریخی آن دچار دگرگونی اساسی شده است، بنابر این ضروری است که در هرگونه معاصرسازی به ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی بافت‌های تاریخی اندیشیده شود، تا کیفیت زندگی در بافت تاریخی را بهبود بخشد. هم پیوندی‌های مولفه‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زمینه‌گرایی و توسعه یکپارچه در مداخلات اهمیت هماهنگی با بافت و حفظ ارزشهای بافت در مداخلات را مطرح می‌سازد. لذا در

دوره معاصر اهمیت ایجاد حس مکان، عوامل اجتماعی و فرهنگی و تأمین نیازهای ساکنین و از همه مهمتر حفظ و احیای هویت از دست رفته بافت تاریخی-فرهنگی در اولویت مداخلات در بافت تاریخی است. با توجه به خلاء های مطالعاتی خصوصاً در زمینه طرح های مداخلاتی بافت های تاریخی تبریز با رویکرد معاصر سازی، ضرورت چنین مطالعاتی جهت راهبردهای کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی بافت تاریخی اهمیت می یابد. درحقیقت معاصر سازی به عنوان رویکردی در مدیریت بافت تاریخی است، به گونه‌ای که به نیازهای زندگی امروزی ساکنان، با حفظ هویت پاسخ گوید. بنابراین حفظ هویت بافتهای تاریخی، در عین احیاء و روزآمد سازی آنها، حفاظت و توسعه توأمان هم از نظر عملکردی و کالبدی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی ضروری می‌باشد.

این پژوهش، نقش عوامل و مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی معاصر سازی را در عرصه بافت تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز را با تأکید بر هویت مورد تحلیل قرار می دهد، باشد که از این طریق بتوانیم پویایی و حیات مدنی و منطری از شهر را که، نتیجه تعامل بین زمان، کالبد، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ است بوجود بیاوریم.

مبانی نظری

معاصر سازی

معاصر سازی فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می گردد. در واقع ترکیبی از اقدامات و فعالیت های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی برای آفرینش مجدد احساس زندگی در بافت تاریخی با تأکید و توجه بر نظم موجود عناصر و سازمان فضایی بافت تاریخی شهر، جهت بهبود کالبد و تغییر عملکرد فضا، متناسب با نیازهای معاصر در راستای توسعه اقتصادی-کالبدی مجموعه و تقویت ویژگی های اجتماعی-فرهنگی بافت است (Tiesdell et al,2005:10).

معاصر سازی با شناسایی هویت شکل دهنده فضای شهری با لحاظ ارزشهای فرهنگ ایرانی و شناخت نیازهای جامعه انسانی منجر به زیبایی همه جانبه معنوی و روانی و ظاهری، از جهات مختلف کیفی و کمی، نمایش تداوم تاریخی و ریشه تاریخی، تجلی گاه امنیت روحی، روانی، معنوی و فرهنگی و مادی، اصالت، جلوهگاه توازن، تعادل، هماهنگی، سازمان و نظم، برگزاری آیین های ملی و دینی، آرامش و نظام و وحدت و جماعت، آشنایی با مردم و فضا، کمال گرا و اصیل و تذکر دهنده یادآور و عبرت آموز می گردد (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۳۳۴).

بافت تاریخی

بافت تاریخی شهرها دارای ویژگی ها و مشخصه‌هایی است که آن را از بافت ها و پهنه‌های پیرامونی و بلا فصل و نیز سایر قسمت های شهر متمایز می کند. وجود و استقرار عناصر، راسته‌ها، گره‌های ارزشمند تاریخی، فرهنگی، سیاسی و تجاری، به همراه تفاوت در قدمت و عمر بناها و نقش آنها در تقویت هویت فرهنگی و تاریخی، ضرورت نگاه متمایز مدیریتی به این مناطق شهری ایجاب می کند (ابلقی، ۱۳۸۲: ۸۰).

در لغت نامه دهخدا هویت چنین تعریف شده است: «هویت عبارت است از تشخیص که گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌شود و گاه بر ماهیت با تشخیص که عبارت از حقیقت جزئی است. هویت مرتبه ذات ناب را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن (دهخدا، ۱۳۳۴: ۳۴۹). فرهنگ عمید هویت را حقیقت شیء یا شخص می‌داند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد (قطبی، ۱۳۸۷: ۷۸). "پیران" مفهوم هویت را مانند بسیاری از مفاهیم فلسفی و اجتماعی، مفهومی انتزاعی و سهل و ممتنع می‌داند و از سویی دیگر، در حال شدن دائمی. او ابعاد هویت شهری را این گونه برمی‌شمرد: تاریخت، مکانیت، جمعی بودن، تعلق به دوره ای خاص از تاریخ، متن روابط اجتماعی، عام و خاص بودن، احساس تعلق فردی، خانوادگی، گروهی، وابسته به رویدادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و دگرگونی های جامعه حقوقی و وظایف شهروندی (پیران، ۱۳۸۴: ۷).

سیر تحولات معاصر سازی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

اقدام های نخستین در زمینه معاصر سازی بافت تاریخی شهرها را باید در کوشش های کشورهای غربی جستجو کرد. در اروپا توجه به معاصر سازی به صورت مرمت بناها، تقریباً از اوایل سده نوزدهم میلادی آغاز شد. جنبش احیای بافت های تاریخی نیز در سال ۱۹۲۰م. بعد از جنگ جهانی اول با ارائه طرح شهر درخشان وارد مرحله جدیدی شد (Priemus, 2005: 16). پس از جنگ جهانی دوم هم، موضوع احیای مرکز شهرهای تاریخی که بر اثر جنگ آسیب دیده بودند، مورد بحث قرار گرفت (عربشاهی، ۱۳۸۰: ۷). از سال ۱۹۶۰م. به تدریج تأملی جدید در نگرش احیای مراکز شهری به وجود آمد، جنبش حفظ میراث گذشته در اعتراض به نوسازی های بزرگ مقیاس که علاوه بر نابودی حداقل منابع تاریخی، ساختار اجتماعی- اقتصادی ساکنین مراکز شهری را نیز متلاشی می‌کرد. برای همین از سال ۱۹۷۰م. الگوی مرمت، اهمیت بیشتری یافت و مرمت کوچک مقیاس در سطح واحدهای مسکونی و سپس محلات، جایگزین طرح های بزرگ مقیاس شد (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۷-۱۱۱). نوسازی و مرمت در کشورهای در حال توسعه نیز با الگویی برگرفته از غرب، به صورت آنی صورت گرفت. از این رو ظرفیت های ساختاری شهرها به شدت دچار تغییر شد، چراکه داستان مشترک بین کشورهای جهان سوم بدین صورت است که الزامات تعیین کننده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن قدر وسعت می‌یابند که بیشتر مواقع، راه حل یابی عملی برای مسائل شهری فراموش شده و فرآیند برنامه ریزی در مرحله شناسایی مساله، متوقف می‌شود (فلامکی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). با توجه به مباحث بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که روند تغییرات بافت تاریخی شهرها بیشتر با دو رویکرد عمده، گرایش و تمایل به نگهداری بافت و عناصر ارزشمند آن و موج تفکرات بازسازی همراه با مداخلات مستقیم و کلان مقیاس در این محدوده‌ها، روبرو بوده است. از این رو به طور خلاصه می‌توان سیاست های به کار رفته در کشورهای پیشرفته در دهه‌های ۱۹۵۰م. بازسازی، ۱۹۶۰م. احیاء، ۱۹۷۰م. باززنده سازی، ۱۹۸۰م. توسعه مجدد و ۱۹۹۰م. و پس از آن را بازآفرینی (توانمندسازی و باززنده سازی) بیان کرد. از سال ۱۹۶۰م. به تدریج تأملی جدید در نگرش احیای مراکز شهری به وجود آمد، جنبش حفظ میراث گذشته در اعتراض به نوسازی های بزرگ مقیاس که

علاوه بر نابودی حداقل منابع تاریخی، ساختار اجتماعی- اقتصادی ساکنین مراکز شهری را نیز متلاشی می کرد (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۶).

مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی

دیدگاه‌های این بُعد یا به اصول و ویژگی های ساخت و ساز جدید و یا به حفظ ارزش های معماری و زیبایی شناختی موجود در بافت تاریخی معطوف می شود. در زمینه ایجاد یک بنا یا فضای جدید در بافت، مهم ترین اصل، احترام به بافت تاریخی است (Conzen, 1966). این اصل می تواند مبنای سایر دستورالعمل های لازم در این زمینه، مانند تأکید بر اهمیت اصالت کاربری و مکان شناخت و به کارگیری ارزشهای زیبایی شناسی، تاریخی و علمی بافت تاریخی (Jokilehto, 1999)، زنده کردن بافت کهن و الهام گیری از آنها در ساخت بافت پیرامون و استفاده از شیوه‌های هنری غنی گذشته برای طراحی مجدد فضا (زیت، ۱۳۸۵)، به عبارت بهتر در این دسته از نظریات تلاش برای ایجاد سازوکاری است که هویت کالبدی بافت تاریخی در جریان توسعه شهری دستخوش مشکلات نشود. در زمینه حفاظت از ارزش های موجود در بافت کالبدی، نگهداری پویا از بافت کالبدی به معنای حفظ فرم و استفاده پویا از عملکرد به منظور معرفی آن به گردشگران است (Pendelbery, 2005: 270-296). در این رویکرد، هدف ایجاد تعادل میان حفاظت و توسعه شهری است. از دیدگاه عملکردی هم تأمین نیازهای دوران معاصر از نظر دسترسی به خدمات، بهبود شبکه حرکت و دسترسی و نفوذپذیری مطرح است (Lichfield, 1988). بنابراین توجه به ساختارهای حرکت و دسترسی انداموار، فضاهای شهری سرزنده با عملکردهای متنوع به عنوان بخشی از ساختارهای شکل دهنده به بافت های تاریخی (Vehbi & Hoskara, 2009)، تأکید بر اینکه هرگونه دستکاری در بافت های تاریخی بدون توجه به حفاظت محیطی، ساختار عملکردی و سازگاری فعالیتی عملاً با شکست مواجه خواهد شد (Oktay, 2005) از اصلی ترین راهکارهای معاصر سازی عملکردی است.

مولفه‌های اقتصادی

بافت های تاریخی به جهت وجود سرمایه‌های ارزشمند معماری و فضایی، پتانسیل های عظیمی را برای جذب گردشگران و درآمدهای اقتصادی فراهم می آورند. رویکرد بهبود سازوکارهای اقتصادی در بافت های تاریخی اغلب در دو مرحله صورت می پذیرد: نخست استفاده از ظرفیت های داخلی برای ایجاد خودکفایی اقتصادی به منظور تأمین هزینه‌های بلندمدت نگهداری و حفاظت از بناها و فضاهای تاریخی (English Heritage, 2008)، دوم، ایجاد جذابیت های اقتصادی به عنوان بخشی از مراکز فعال سودآوری در شهرها که اغلب با جذب گردشگران و ایجاد فرصت های شغلی متناسب با روحیه فرهنگی، بر ارزش های اقتصادی می افزاید. (Ashworth & Tunbridge, Doratli, 1990: 2005: 2000). این امر باید به صورتی انجام شود که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در ارتقای سطح اقتصادی بافت مؤثر باشد، یعنی یا باید خود فعالیتی اقتصادی را ایجاد کند و یا به صورت غیرمستقیم و با تزریق کاتالیزورهای درآمدی گردش سرمایه را ایجاد کند.

مؤلفه‌های کالبدی-عملکردی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی معاصر سازی با رجوع به پانل متخصصان و خبرگان از قرار ذیل است:



شکل ۱. مدل مفهومی مؤلفه‌های معاصر سازی منبع: نگارنده گان

مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی

این مؤلفه به صورت عمومی با ارتقاء سرمایه اجتماعی در بافت تاریخی به منظور بهبود شأن اجتماعی (Tiesdell, et al., 1996) و افزایش روحیه برای ساکنین سروکار دارد که ارتباط مستقیمی با میزان مشارکت و مسئولیت پذیری آنها در قبال محله تاریخی خود دارد. هر چه میزان مشارکت شهروندان در فرآیند معاصر سازی بافت بیشتر باشد، پذیرش تغییرات برای آنها بالاتر می رود. بنابر این استفاده از مشارکت اجتماعی پیش از طراحی در بافت های تاریخی برای معاصر سازی الزامی است. نکته حائز اهمیت در استفاده از تکنیک های مشارکت توجه به خرده فرهنگ ها و بستر تاریخی برای استفاده از ارزش های تاریخی در طراحی مجدد و نمایشی از فعالیت های اجتماعی موجود است (پورسراجیان، ۱۳۹۴: ۴۴؛ Kerns & Philo, 1993).

رویکردهای فرهنگی و استفاده از هویت تاریخی برای ایجاد تشخیص و اعتبار، (Bianchini & Parkinson, 1993) حفاظت از میراث تاریخی و احترام به ارزش های تاریخی (Larkham, 1996: 13)، معرفی هسته‌های تاریخی در محیط های شهری سنتی به عنوان موفق ترین واحدهای معرف نظم و پیوستگی از جمله (Doratli, et al., 2004 : 331) راهکارهای پیشنهادی در این زمینه است.

بررسی دیدگاههای صاحب نظران در مسأله بافت های تاریخی بیان کننده توجه توأمان آنها به ابعاد کالبدی، عملکردی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی است و این خود بیان مفهوم معاصر سازی است و نکته دیگر اینکه هر یک از ابعاد دارای هنجارهای مشترکی است که می تواند به عنوان مبنای معاصر سازی مورد استفاده قرار گیرد.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه، بافت تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز می باشد که با ۴۲۱ هکتار وسعت، ۳ درصد از مساحت شهر را در بر گرفته است. این منطقه از شمال به خیابان شمس تبریزی، از سمت شرق به خیابان حافظ، از شمال شرقی به ششگلان و ثقه الاسلام و از جنوب به خیابان ۱۷ شهریور جدید و از جنوب غربی به شریعتی و از جانب غرب به خیابان فلسطین محدود می شود، جمعیت بافت تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر ۲۹۳۸۴ هزار نفر می باشد.



شکل ۲. منطقه تاریخی- فرهنگی تبریز، منبع: مهندسین مشاور نقش محیط، سال ۱۳۹۷

پیشینه تحقیق

احمدپور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله "بهسازی بافت های تاریخی شهری با اصول توسعه پایدار شهری" بهسازی را به عنوان یکی از روش های مداخله در بافت تاریخی شهرها می داند، که در این نوع مداخله اصل وفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت بخش رعایت شده باشد. که در این راستا، مداخله ای چشمگیر در کالبد صورت نمی گیرد و تنها با جایگزینی عملکرد مناسب فعالیت، از فرسایش این نوع از فضای شهری جلوگیری می شود و با ایجاد تغییراتی در فعالیت های شهری، فضاهای شهری مطلوب ایجاد می گردد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که برای یافتن مناسب ترین الگوی مداخله از نوع بهسازی در بافت تاریخی، می بایست با تأکید بر اصول توسعه پایدار شهری، ضمن تعیین اولویت ها در تغییر کاربری ها، زمینه های هر نوع پارادوکس و تضاد در رویکردها را تعدیل نمود. عسکری و عباسزاده (۱۳۹۵) در مقاله "بازآفرینی بافتهای تاریخی ایران، بافت تاریخی نطنز و اردستان" به انواع مداخله جهت احیای بافت تاریخی اشاره داشته و به توانمندیهای ساکنین و عموم جهت معاصر سازی بافت تاریخی اهمیت بیشتری قائل هستند و استراتژی هایی در جهت بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت تاریخی ارائه داده و نتیجه گیری می کنند که با برنامه ریزی جهت ارتقاء بافت های تاریخی، پویایی را دوباره به این بافت ها می توان برگرداند. نصیری نیا و حجت (۱۳۹۵) در مقاله ی "تاملی بر تحولات ساختاری معاصر شهر تبریز و تاثیر آن

بر هویت شهر تبریز" با مطالعه نقشه‌های تاریخی شهر و تحلیل‌های میدانی شرایط معاصر بر اساس قیاس‌های تطبیقی، روشن ساخته‌اند که تحولات ساختاری معاصر تبریز، عرصه‌های تاریخی آن را مخدوش و سبب جدایی آنها از جریان زندگی شهر شده است، که می‌بایست با تقویت جایگاه عرصه‌های تاریخی، موجبات پویایی آنها مهیا شود تا توانایی حضور شایسته در ساختار شهر معاصر را به دست آورند؛ چراکه این عناصر تشکیل دهنده هویت تاریخی شهرند که از میان رفتنشان در واقع از میان رفتن بخشی از هویت تاریخی شهر است. پنی سا و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله "تجدید حیات ساختمان‌های تاریخی به عنوان رویکردی برای محافظت میراث فرهنگی و تاریخی" که روش تجدید حیات با هدف محافظت و بازسازی نشانه‌های تاریخی به صورت پروژه‌های تاریخی در شهرهای نیس (صربستان) و سنت پترزبورگ (روسیه) به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. مهدوی نژاد (۱۳۹۳) در کتاب "اصول و مبانی معاصر سازی" روی این مسئله تاکید دارد که در طرح‌های بهسازی شهری انتظار می‌رود عوامل مداخله به جای نگاه ماشینی به بافت‌های تاریخی شهری جهت ارائه راحت‌تر خدمات نوین شهری، به دنبال رویکردهایی باشند تا انسان‌مداری و توسعه سلامت فعالیت‌های انسانی را بار دیگر به این شهرها بازگرداند. حناچی (۱۳۹۱) در کتاب "مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ایران" اذعان می‌دارد، سیاست‌های مداخله در بافت تاریخی ایران اغلب مقطعی و بیشتر در جهت تخریب تدریجی و بلا تکلیفی این مناطق بوده است، جهت مداخله در بافت‌های تاریخی پیروی از روش‌های علمی و اصولی ضرورت پیدا می‌کند که در این راستا استفاده از تجربیات جهانی در حل مشکلات و نارسایی‌های بافت را روش مناسبی می‌داند. الکساندر کریستوفر (۲۰۰۸) در "کتاب زبان الگو: شهرها" هدف از مداخله در بافت‌های کهن را ساماندهی دگرگونی‌ها می‌داند و شیوه اقدام او بازسازی، نوسازی و بهسازی است، او معاصر سازی و روش جامع مرمت شهری را بهترین روش مداخله می‌داند و نتیجه می‌گیرد که میزان موفقیت یک کل به میزان موفقیت ترکیب اجزای آن وابسته است. ایزدی (۲۰۰۸) در رساله دکتری خود تحت عنوان "یک مطالعه در مورد بازسازی مرکز شهر، ایجاد یک رویکرد متعادل برای احیای مراکز تاریخی شهر در ایران" بیان می‌دارد: هسته‌های تاریخی که بخش کوچکی از شهرهای اخیر را تشکیل می‌دهند، در امواج مختلف توسعه مجدد تضعیف شده‌اند، به عقیده ایشان جهت حل مشکلات بافتهای تاریخی توسعه مشارکت محلی نوآورانه، مشارکت بازسازی، توانمندی مقامات محلی، تصویب یک رویکرد یکپارچه دارای اهمیت است. کوین لینچ (۱۹۹۱) در کتاب "تئوری شکل خوب شهر" در امر حفاظت و توسعه شهری، بر جاری کردن زمان در بنا (حضور زمان در مکان) مجموعه یا بافت شهری، حفظ عناصر غنی گذشته و معاصر سازی آنها تاکید دارد و مداخله در بافت قدیم را همراه با مشارکت مردم، مشاوره متخصصان و هماهنگی با مسئولان موثر می‌داند.

در تحقیقات انجام گرفته توسط محققان در ارتباط با معاصر سازی بافتهای تاریخی، مطالعات عمدتاً یا با رویکرد معاصر سازی مدرنیستی (کالبدمحور) بدون توجه به تاریخ و زمینه موجود و هویت بافت صورت گرفته و تداوم تاریخی بافت و وابستگی به ذهن انسانی کمرنگ شده و اکثراً همراه با عدم تعهد در مشارکت و مسئولیت بوده، چرخه نادرستی که در آن عدم ثبات ترکیب اجتماعی و کاهش زمان سکونت در بافت شده است و یا با تاکید افراطی بر تاثیر هویت در بافت‌های تاریخی که از نتایج مطالعات اجتماعی انجام شده، این عامل برجسته شده که در آن

تطابق تغییرات و نیازهای جدید شهری مغفول مانده در حالیکه معاصرسازی بافتهای تاریخی فرآیندی حساس و پیچیده است که نیاز به طراحی استراتژی‌ها و راهکارهای هدفمند دارد که جز از طریق مطالعه ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی در بافت تاریخی میسر نخواهد بود، پژوهش حاضر برآن دارد که عوامل تأثیرگذار بر معاصرسازی بافتهای تاریخی-فرهنگی کلانشهر تبریز را در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر به لحاظ ماهیت تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است، سپس با بررسی ابعاد و چارچوب‌های موضوع مورد مطالعه، شاخص‌های پژوهش با بهره‌گیری از تکنیک دلفی تعیین و تعریف عملیاتی شده و از بین آن‌ها شاخصهایی انتخاب و وارد پرسشنامه شدند، هدف بسیاری از کاربردهای دلفی، قابلیت اطمینان و کشف خلاقانه‌ی ایده‌ها یا تولید اطلاعات مناسب برای تصمیم‌گیری است و اساس روش دلفی یک فرآیند ساخت‌مند برای جمع‌آوری و مختصرسازی دانش بدست آمده از گروه خبرگان است که این دانش از راه توزیع پرسشنامه با بازخورد نظری کنترل شده به دست آمده است و شیوه‌ی ارتباطی مفیدی را در بین یک گروه کارشناس نشان می‌دهد و بنابراین قضاوت را برای یک گروه آسان می‌سازد. مرحله مهم در ایجاد شاخص‌ها، شناسایی متغیرهایی است که متناسب، قوی و بیانگر آن عامل باشند. چون نقاط قوت و ضعف شاخص‌ها بر مبنای کیفیت متغیرهای انتخاب‌شده تعیین می‌شود، معیار اطمینان از کیفیت متغیرها در پیشینه‌ی مرتبط با این شاخص‌ها تنوع وسیعی دارد، در پژوهش حاضر، بررسی مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی معاصرسازی بافت تاریخی کلانشهر تبریز مطرح است، که شاخص‌های مورد نظر با استناد به نظر خبرگان و متخصصان استخراج شده است، انتخاب ابعاد و شاخص‌ها بر مبنای تناسب آن با مفهوم معاصرسازی، میزان در دسترس بودن، میزان حساسیت، قدرت، قابلیت تکثیر و دستیابی به آن‌ها، دامنه، سادگی و ارتباط بین آن‌ها و ابعاد مختلف موضوع تحقیق صورت گرفته است. به منظور سنجش گویه‌ها، پرسشنامه‌ای با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران^۱ تهیه شده است و جامعه آماری پژوهش حاضر ۳۰ نفر از متخصصان و کارشناسان رشته شهرسازی و میراث فرهنگی هستند، در این تحقیق جهت برآورد میزان روایی پرسش‌نامه از نظر خبرگان مسلط به موضوع پژوهش استفاده شده است، همچنین جهت محاسبه پایایی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است که مقدار آن ۰/۷۳۹ می‌باشد، که بیش از مقدار ۰/۷۰ بدست آمد، در نتیجه پایایی پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها بر اساس نوع طرح انتخابی صورت می‌گیرد، تحلیل داده‌های (کمی و کیفی) می‌تواند به صورت مجزا یا با هم صورت گیرد یا در چند مرحله تکرار شود (مبینی دهکردی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). به منظور تجزیه و تحلیل در این پژوهش، بسته به اهداف و نوع داده‌های موجود، جهت یافته‌های توصیفی در ابتدا از روش آماری توصیفی، نظیر میانه، میانگین، انحراف معیار و ... استفاده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش. یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
کالبدی	۴۳/۹۴۵۱	۰/۳۴۶۴۷	۲/۸۶	۴/۸۶
اقتصادی	۳/۷۵۳/۶۷۵۰	۰/۵۵۶۵۴	۲/۰۰	۴/۷۵
اجتماعی- فرهنگی	۰/۶۳۲۱۶۳/۳۳۳۳/۴۰۵۱	۲/۰۰	۰	۵

منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸

جهت تدوین استراتژی از ابزار تحلیل SWOT بهره گرفته شده است، تا نقاط قوت را با فرصتهای محیطی متوازن سازد و فرصت‌ها را بررسی و از تهدیدات اجتناب کند و جهت تعیین اولویت گزینه‌های مطرح در تصمیم‌گیری از فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی بهره گرفته شد از جمله مهمترین مزایای این روش استفاده از آن در تصمیم‌گیری با معیارهای کیفی می‌باشد (قدسی پور، ۱۳۸۵: ۲۸). مزیت دیگر این روش ساختار دادن به مساله تصمیم‌گیری با تشکیل سلسله مراتب می‌باشد.

در این مرحله با استفاده از نرم افزار Expert Choice داده‌های حاصل از پرسشنامه مورد پردازش قرار می‌گیرند. هر یک از متغیرهای پژوهش با میانگین‌گیری از سوالات مربوطه، سنجیده شده و مشخصات توصیفی آن در جدول ۱ آورده شده است. همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهند، متغیر کالبدی بیشترین و متغیر اجتماعی-فرهنگی کمترین امتیاز را در معاصر سازی بافت تاریخی کلانشهر تبریز به خود اختصاص داده‌اند. در مرحله بعدی با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی، رتبه بندی و تعیین ضریب اهمیت عوامل اصلی تاثیرگذار در معاصر سازی بافتهای تاریخی کلانشهر تبریز انجام شده است. ارزش‌گذاری معیارها، از طریق مقایسه زوجی و اعطای امتیازات که اعداد فازی مثلثی هستند و بیانگر ارجحیت یا اهمیت بین دو معیار است، صورت می‌پذیرد. لذا تصمیم‌گیرنده شاخص‌ها را با هم مقایسه می‌کند و از اعداد فازی مثلثی برای مقایسات زوجی استفاده می‌کند. با استفاده از طیف ۱ تا ۹ می‌توان ماتریس مقایسات زوجی را به صورت اعداد فازی مثلثی تشکیل داد. یعنی تصمیم‌گیرنده ترجیحات خود را با مقایسه زوجی عناصر هر سطح نسبت به سطوح بالاتر به شیوهی فازی بیان می‌کند. بنابراین وزن نهایی و اولویت بندی نقاط قوت معاصر سازی بافتهای تاریخی کلانشهر تبریز از دید یکی پاسخ‌گویان و با روش FAHP به ترتیب جدول ۲ می‌باشد.

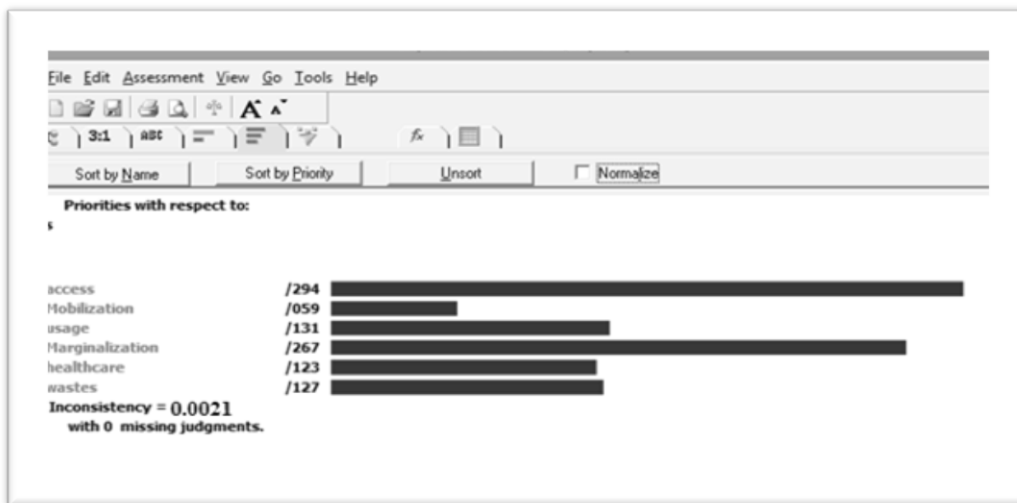
جدول ۲. رتبه بندی نقاط قوت معاصر سازی بافتهای تاریخی کلانشهر تبریز با روش FAHP

نقاط قوت	وزن اولویت
بهبود وضعیت دسترسی در نقاط مختلف بافت	۳۰/۰۸۶
تحرک بخشی و ایجاد رونق اقتصادی به بافت	۱۰/۳۷۵
بهبود کاربری های موجود	۲۰/۰۹۹
جلوگیری از مهاجرت ساکنین اصیل بافت	۱۰/۳۷۵

۵۰/۰۲	احیاء به همراه جلوگیری از تخریب بافت
۴۰/۰۴۵	قابلیت سازگاری با تغییرات آینده

منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸

ملاحظه می‌گردد که مجموع ضرایب اهمیت دقیقاً معادل یک می‌باشند که خود نشانگر صحت و دقت کامل محاسبات است. در نهایت نمودار خروجی نرم افزار Super Decision در مورد اولویت بندی نقاط قوت معاصر سازی بافت تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز بصورت شکل ۵ می‌باشد.



شکل ۲. اولویت بندی نقاط قوت معاصر سازی بافت تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز _ مؤلفه کالبدی،

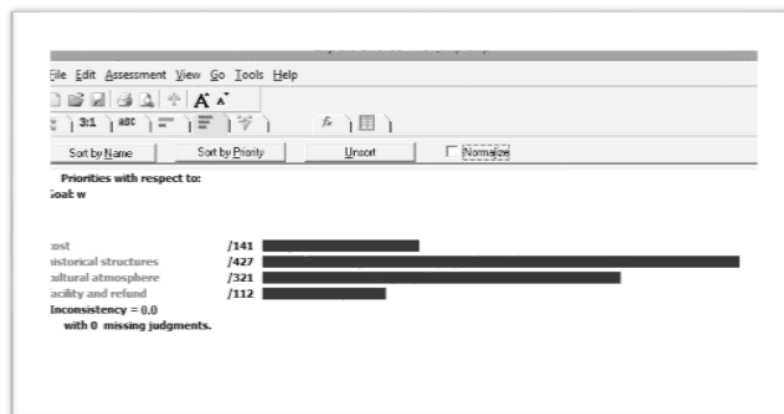
منبع نگارندگان، ۱۳۹۸

بنابراین وزن نهایی و اولویت بندی عوامل مربوط به نقاط ضعف معاصر سازی بافت تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز، با روش FAHP به ترتیب جدول زیر می‌باشد:

جدول ۳. اولویت بندی نقاط ضعف معاصر سازی بافت تاریخی کلانشهر تبریز با بهره‌گیری از روش FAHP

مؤلفه	وزن اولویت
تحمیل هزینه‌های گزاف برای شهرداری ها یا سازمانهای مربوطه	۱۰/۳
نابودی برخی از بافت های تاریخی	۲۰/۲۷
از بین رفتن هویت اجتماعی- فرهنگی بافت	۳۰/۲۵
عدم تناسب میزان تسهیلات و بازپرداخت آن با توانایی مالی گروه‌های کم درآمد بافت	۴۰/۱۸

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

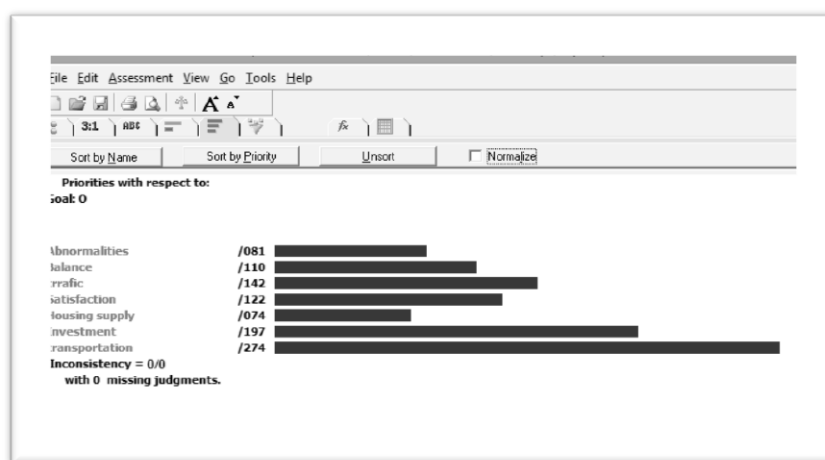


شکل ۳. اولویت بندی نقاط ضعف معاصر سازی، مؤلفه اقتصادی، منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸

جدول ۴: اولویت بندی فرصتها در رابطه با معاصر سازی بافت تاریخی - فرهنگی کلانشهر تبریز با روش FAHP

وزن اولویت	مؤلفه
۱۰/۲	کاهش بروز معضلات اجتماعی در اثر بهبود سیما و منظر بافت
۲۰/۱۸	اختلاط کاربری های معاصر با کاربری های تاریخی
۳۰/۱۴	انسجام اجتماعی
۴۰/۱۴	ارتقاء کیفیت بصری و بهبود سیما و منظر بافت
۵۰/۱۳	حفظ و تقویت خوانایی
۶۰/۱۱	افزایش تمایل به مشارکت به سرمایه گذاری در بخش های معاصر سازی شده از طرف مردم
۷۰/۱	تامین زیرساخت های خدماتی جهت زیست پذیری بافت

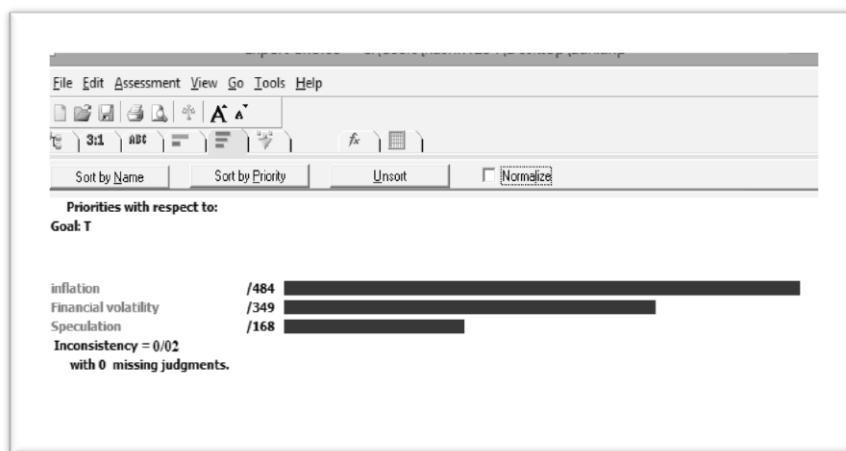
منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸



شکل ۴. اولویت بندی نهایی نقاط فرصت معاصر سازی بافت تاریخی - فرهنگی کلانشهر تبریز - مؤلفه اجتماعی - فرهنگی، منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸

جدول ۵. اولویت بندی تهدیدها در رابطه با معاصر سازی بافت تاریخی - فرهنگی کلانشهر تبریز با روش FAHP

وزن نهایی تهدیدها	وزن اولویت
اثرات ناشی از طولانی شدن پروسه معاصر سازی	۱۰/۶۹
نابودی ارزش های قومی و محلی	۲۰/۲۱
گسست رابطه همسایگی	۳۰/۰۹



شکل ۵. اولویت بندی تهدیدها در رابطه با معاصر سازی بافت تاریخی - فرهنگی کلانشهر تبریز

منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸

پس از رتبه بندی عوامل اصلی، در ادامه شاخص های مربوط به هر یک از عوامل سه گانه فوق نیز با روشی که شرح داده شد، اولویت بندی می گردند.

جدول ۶. اولویت بندی مؤلفه‌های کالبدی-عملکردی معاصر سازی با روش FAHP از دید خبرگان

مؤلفه	وزن اولویت
ایجاد فضاهایی با قابلیت سازگاری با تغییرات آینده	۱۰/۴۸۱
انتقال فعالیت های کارگاهی و انباری به خارج از بافت	۲۰/۲۵۸
نفوذ پذیری و سهولت دسترسی	۳۰/۱۰۰
بهره‌گیری از زمین های بایر در تعریف فعالیت های جدید	۴۰/۰۶۳
حفاظت و ممانعت از تخریب بافت	۵۰/۰۵۷
تامین زیر ساخت های خدماتی جهت زیست پذیری بافت	۶۰/۰۴

منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸

با توجه به اینکه نرخ ناسازگاری زیر ۰/۱ است خروجی فوق قابل قبول است.

جدول ۷. اولویت بندی مؤلفه‌های اقتصادی معاصر سازی با بهره‌گیری از روش FAHP از دید خبرگان

مؤلفه	وزن اولویت
تقویت اقتصاد محلی بافت از طریق عرضه محصولات سنتی	۱۰/۳۲۵
اصلاح الگوی مالکیت اراضی	۲۰/۳۰۱
تغییر کارکرد و تزریق فعالیت های جدید	۳۰/۲۸۴
تقویت جاذبه‌های توریستی در جهت تامین منابع پایدار	۴۰/۰۹۱

منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸

جدول ۸: اولویت بندی مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی معاصر سازی

با بهره‌گیری از روش FAHP از دید خبرگان

مؤلفه	وزن اولویت
جلب مشارکت مردمی	۱۰/۴۷۴
تزریق فعالیت های سنتی و مدرن در جلوگیری از گسترش نامنی و معضلات اجتماعی	۲۰/۳۷۶
ارتقاء هویت اجتماعی	۳۰/۱۴۹

منبع: نگارنده گان، ۱۳۹۸

با توجه به اینکه نرخ ناسازگاری زیر ۰/۱ است، خروجی فوق قابل قبول است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این پژوهش، نقش عوامل و مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی معاصر سازی را در عرصه بافت تاریخی- فرهنگی کلانشهر تبریز با تاکید بر هویت مورد تحلیل قرار می دهد، عوامل و مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی بر پایه ی پاسخ جامعه ی آماری گزینش شده ای از خبرگان و متخصصان در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. برای هر کدام از این عوامل، شاخص هایی در نظر گرفته شده است که این شاخص ها به روش AHP فازی الویت بندی و رتبه بندی گردیدند. این عوامل توسط تکنیک SWOT دسته بندی شده اند. نتایج نشان می دهد که بهبود وضعیت دسترسی مهمترین نقطه قوت معاصر سازی بافت تاریخی- فرهنگی، از بین رفتن بافتهای تاریخی، مهمترین ضعف، تامین زیرساخت های خدماتی جهت زیست پذیری بافت مهمترین فرصت و نهایتا تأثیرات ناشی از طولانی شدن ساخت مهمترین تهدید به شمار می آید. با توجه به تجارب برگرفته از انجام این پژوهش، بررسی عوامل موثر بر معاصر سازی بافت های تاریخی- فرهنگی سایر کلانشهرها و مقایسه آن با سایر

۵۲۸ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال یازدهم، شماره دو، بهار ۱۴۰۰

کشورها و مطالعه و بررسی موانع و مشکلات معاصر سازی بافت های تاریخی- فرهنگی، تحلیل و بررسی موارد معاصر سازی شده بر اساس هویت پیشنهاد می شود. بعلاوه در ارتباط با راهبردهای معاصر سازی با رویکرد کالبدی- عملکردی می توان به ایجاد عملکردهای نسبتاً فعال در بافت جهت ترجیح ساکنین برای اقامت پایدار، وجود فعالیت های مناسب با قابلیت تطبیق پذیری بالا جهت استفاده های معاصر در زمین های بایر بافت، ساختار مناسب معابر برای سهولت دسترسی بیشتر از جمله راه حل های پیشنهادی در بافت تاریخی کلانشهر تبریز است که در راستای اهداف این مقاله نیازمند معاصر سازی کالبدی می باشد. اصلاح الگوی مالکیت اراضی، افزایش جاذبه های گردشگری و ارتقاء سطح پایداری بافت تاریخی، ایجاد اشتغال جهت سرزندگی اقتصادی در ردیف راهبردهایی است که در راستای بهبود بخشی به رویکرد معاصر سازی اقتصادی بافت می توان انجام داد تا بافت تاریخی با وجود ارزش های غنی و قابل استفاده، کارکردهای مناسبی داشته باشد. در کنار معاصر سازی کالبدی- عملکردی و اقتصادی راهبردهایی برای معاصر سازی اجتماعی و فرهنگی هم مورد نیاز است: تزریق محتوای جدید در اشکال قدیم بافت، مشارکت شهروندان در تحول و بهبود مسائل بافت، جلوگیری از گسترش ناامنی و معضلات اجتماعی و ارتقاء هویت اجتماعی بافت تاریخی جهت نیل به پویایی بالای توسعه ای از جمله راهکارهای پیشنهادی می باشد.

منابع

ابلقی، علیرضا (۱۳۸۲). جایگاه مرمت ابنیه تاریخی در فرآیند مرمت شهری و تجارب سازمان عمران و بهسازی شهری، نشریه هفت شهر، دوره ۱، شماره ۱۲ و ۱۳، صفحات ۸۳-۸۷

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۷). زبان الگو شهرها، مترجم: رضا کربلایی نوری، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۹۶). تحلیلی بر پارادوکس «الزامات پدافند غیرعامل» با «اصول توسعه پایدار شهری» در بهسازی بافت های تاریخی شهری مطالعه موردی: بافت تاریخی منطقه ۱۲ شهر تهران، نشریه اطلاعات جغرافیایی، دوره ۲۶ صفحات ۳۵-۵۲.

پوراحمد، احمد و کلاتری خلیل آباد، حسین (۱۳۸۶). الگوها و فنون برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها، فصل نامه جغرافیای سرزمین، شماره ۵، صفحات ۱۵-۶

پورسراجیان، محمود (۱۳۹۴) ارزش های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنین، مجله باغ نظر (۳۵): ۵۲-۳۹
پیران، پرویز (۱۳۸۴). هویت شهری، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی.

حناچی، پیروز (۱۳۹۶). مرمت شهری در بافت تاریخی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳). لغت نامه دهخدا، جلد ۱۴، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

عربشاهی، زهرا (۱۳۸۰). سابقه نوسازی و بهسازی بافت قدیم شهری در ایران و اروپا، شهرداری ها، سال چهارم، شماره ۴۹، صفحات ۲۶-

۸

عسکری رابری، اباصلت و عباس زاده، شهاب (۱۳۹۵). بازآفرینی بافتهای تاریخی ایران، بافت تاریخی نطنز و اردستان، نشر سروش دانش، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.

فرخ نوزی، عباس (۱۳۸۰). ضرورت نوزایی شهری، فصلنامه هفت شهر، سال دوم، (شماره ۴) تابستان و پاییز ۸۰، صفحات ۶-۱۵.

فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۴). سیری در تجارب مرمت شهری از ونیز تا شیراز، تهران: نشر فضا

قدسی پور، حسن (۱۳۹۵). فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷). مفهوم هویت و معماری امروز ایران، ماهنامه آینه خیال، شماره ۱۰.

لینچ، کوین (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسن بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۰). معرفی طرح‌ها و مدل‌ها در روش تحقیق آمیخته، راهبرد- مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام ۶۰، ۲۰، صفحات ۲۱۷-۲۳۴

مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۳). اصول و مبانی معاصر سازی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
مهندسین مشاور نقش محیط (۱۳۹۷). طرح جامع شهر تبریز، وزارت راه و شهر سازی، اداره کل راه و شهر سازی استان آذربایجان شرقی.
نصیری نیا، پیمان و حجت، عیسی (۱۳۹۵). تاملی در تحولات ساختاری معاصر شهر تبریز و تأثیر آن بر هویت شهر، نشریه هنرهای زیبا معماری و شهر سازی، دوره ۲۱، (شماره ۱) صفحات ۴۱-۵۴.

نقی زاده، محمد (۱۳۸۹). تحلیل و طراحی فضای شهرها، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
وزارت مسکن و شهر سازی و شرکت عمران و بهسازی شهری (۱۳۸۲). ضرورت، اهداف، برنامه‌ها و اقدامات ساماندهی و بهسازی بافت شهری، تهران: وزارت مسکن و شهر سازی، (شماره ۵) ۲۰-۳۲.

- Ashworth, G. J. & Tunbridge, J. E. (1990). *The tourist-historic city*. London: Belhaven.
- Bianchini, F. & Parkinson, M. (1993). *Cultural Policy and Urban Regeneration: The Western European Experience*. Manchester: Manchester University Press.
- Conzen, Michael R. G. (1966). Historical townscapes in Britain: A problem in applied geography. In *Northern geographical essays in honor of G. H. J. Daysh, J. House (ed)*. Newcastle upon Tyne, UK: Oriol.
- Doratli, N. (2000). A model for conservation and revitalization of historic urban quarters in Northern Cyprus. Unpublished Ph. D. thesis. Eastern Mediterranean University.
- Doratli, N., Hoskara, S. O. & Fasli, M. (2004). An analytical methodology for revitalization strategies in historic. urban quarters: A case study of the walled city of Nicosia. *North Cyprus. Cities*, 21(4): 329-348.
- English Heritage. (2008). *Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of The Historic Environment*. London: English Heritage.
- Izadi, Mohammad Saeed (2008) A study on city center Regeneration: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran, Newcastle University.
- Jokilehto, J. (1999). *A history of architectural conservation*. Oxford, UK: Butterworth-Heinemann.
- Kearns, G. & Philo, C. (1993). *Selling Places: The past as Cultural Capital Past and Present*. Oxford: Pergamon Press.
- Larkham, Peter J. (1996). *Conservation and the city*. London: Routledge.
- Lichfield, N. (1988). *Economics in Urban Conservation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Milja Penica, Golovina Svetlana & Vera Murgul (2015) *Revitalization of Historic Buildings as an Approach to Preserve Cultural and Historical Heritage*, Publisher: Elsevier - Science Direct, Pages 883-890
- Oktay, B. (2005). A model for measuring the level of sustainability of historic urban quarters: Comparative case studies of Kyrenia and Famagusta in North Cyprus. Ph. D. thesis. Pendlebury, J. (2005). *The Modern Historic City: Evolving Ideas in Mid-20th-century Britain*. *Journal of Urban Design*, 10 (2): 253-273 Famagusta, North Cyprus: Eastern Mediterranean University.
- Pendlebury, J. (2005). *The Modern Historic City: Evolving Ideas in Mid-20th-century Britain*. *Journal of Urban Design*, 10 (2): 253-273.
- PourAhmad, Ahmad, Hataminejad, Hossein, Modiri, Mahdi & Azimzadeh Irany Ashraf (2018) A Comparative Comparison Of The Requirements Of "Passive Defense" With The Principles Of "Sustainable Urban Development" In Protecting Urban Historical Fabrics Case Study: The Historical Fabric Of The 12th District Of Tehran, *Scientific Research Quarterly of Geographical Data (Sephehr)*, Revista Publicando, 5 No 14 . No. 2. 2018, 224-256. ISSN 1390-9304.
- Priemus, H. (2005). *Urban renewal: Neighborhood revitalization and the role of housing associations*. Ottawa: Caledon Institute.

Tiesdell, S., Taner, O. & Tim, H. (1996). *Revitalizing Historic Urban Quarters*. London: Architectural Press.

Tiesdell, S., Taner, O., & Heath, T. (2005). *Revitalizing historic urban quarters*. Oxford: Antony Rowe Ltd, Eastbourne.

Vehbi, B. O. & Hoskara, S. Ö. (2009). A Model for Measuring the Sustainability Level of Historic Urban Quarters. *European Planning Studies*. Available from:
www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09654310902778201